

انصاف و عدالت از دیدگاه فقهی

رحیم وکیل زاده^۱ - اسماعیل صغیری^۲ - رمضان دهقان^۳

چکیده

عدالت و انصاف از مفاهیمی است که هم از بعد حقوقی و هم از جنبه فقهی مورد توجه خاص واقع شده است یکی از صفات پروردگار متعال عادل بودن است. همچنین عدل از اصول دین به شمار می آید.

یکی از اهداف مهم قواعد حقوقی و فقهی تامین عدالت است ولی گاهی همین عدالت در اجرای مقررات خشک و در دستیابی به اهداف والای الهی و انسانی کافی نیست و به عنصر انعطاف پذیر تری تحت عنوان انصاف نیاز است.

برخی معتقدند هر قاعده ولو غیر منصفانه باید اجرا شود کاربرد انصاف در مرحله وضع قانون است. ولی برخی دیگر بر این باورند که ابزارهای قانونی باید در جهت تامین انصاف باشد و اگر حکمی بر خلاف انصاف باشد باید متوقف گردد. در عین حال باید توجه داشت که بکار بردن مفاهیم انصاف و عدالت به جای هم و به عنوان مفاهیم یکسان شایع است.

در این مقاله مفاهیم عدالت و انصاف و تفاوت های آن دو بررسی شده است. همچنین انصاف و عدالت از دیدگاه قرآن کریم و روایات بطور جداگانه مورد ملاحظه قرار گرفته است

واژگان کلیدی: انصاف، عدالت، قرآن کریم، فقه، عدالت اجتماعی.

^۱ - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۲ - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۳ - دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و عضو هیئت علمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

مقدمه

از انصاف در حوزه فقه و حقوق تعاریف متعددی شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- انصاف احساس مبهمی از عدالت است که در مقام اجرای قواعد حقوق وسیله تعدیل و متناسب کردن آن با موارد خاص می‌گردد. انصاف چوبدستی عدالت است تا از لغزش آن بکاهد (کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۲، ص ۶۷۹)

۲- انصاف عبارت است از اصلاح یک قاعده که به مناسبت ماهیت کلی خود ناقص می‌باشد. انصاف صورتی خاص از عدالت است و بر نوعی از عدل ترجیح دارد. (ارسطو، اخلاق نیکو ماخس، ترجمه دکتر ابوالقاسم پورحسینی، ص ۱۶)

۳- یکی دیگر از مفاهیمی که برای انصاف بیان شده است انصاف در معنی «تنصیف» و به دو نیمه مساوی تقسیم کردن است این معنا از انصاف در روایات فقهی هم دیده می‌شود.

امام باقر (ع) در پاسخ به این سؤال که مردی دو دینار نزد دیگری و شخص دیگر یک دینار نزد همان شخص به امانت گذاشتند، از این سه دینار یک دینار نزد امین گم شد. دو دینار باقی مانده چگونه باید تقسیم شود. امام فرمود: یک دینار و نیم از دو دینار مانده به صاحب دو دینار بدهند و نیم دینار دیگری را به صاحب یک دینار تحویل دهند. (اصغری، عدالت به مثابه قاعده، ص ۸۲ و ۸۳)

۴- انصاف مترادف با عدالت به طور فراوان به کار رفته است. بسیار شنیده ایم که در مسائل اجتماعی یا حقوقی گفته می‌شود که عدالت و انصاف چنین اقتضاء می‌کند نویسندگان حقوقی و فقهی نیز در تالیفات خود در موارد زیادی این دو مفهوم را مترادف استعمال کرده اند یعنی عدالت را به مفهوم انصاف تلقی کرده اند.

عدالت واژه ای است که کاربردهای متنوع در حوزه حقوق و فقه و اخلاق و کلام و سیاست و اقتصاد و سایر حوزه ها دارد. یکی از قدیمی ترین مفاهیمی که بشر همواره با آن روبرو بوده است و برای استقرار آن تلاش کرده است عدالت است.

حقوق و عدالت پیوند نزدیکی با هم دارند قوانینی که مردم با عدالت و انصاف منطبق ندانند با میل اجرا نمی کنند و برای فرار از آن به انواع حيله ها متوسل می شوند پیوند حقوق و عدالت و انصاف را در بسیاری از مواد قانونی می توان دید. با اینکه مدیون ملزم است دین خود را بپردازد و دادگاه او را به پرداخت آن محکوم کند ولی ماده ۲۷۷ قانون مدنی به دادگاه اجازه داده است تا به مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط بدهد.

تفاوت های « عدالت » و « انصاف »

همانگونه که گفته شد یکی از مفاهیم انصاف همان عدالت است. در مفهوم عام عدالت، شامل انصاف نیز می گردد ولی بین انصاف به مفهوم خاص کلمه با عدالت تفاوت هایی وجود دارد که این تفاوت ها را می توان چنین بیان کرد:

۱- عدالت گاه خشک و خشن است نویسندگان و فیلسوفان و ادیبان خشکی قواعد حقوق را نکوهش کرده اند. فرشته عدالت کور یا چشم بسته بوده و قاضی و وکیل ملک عذاب و عامل ستم هستند ولی انصاف دارای انعطاف است و با مقتضیات منطبق بوده و از جمود و خشکی قانون می کاهد. (کاتوزیان، کلیات حقوق، ص ۵۸۲ و ۵۸۳)

۲- گرایش قضات و محاکم به سوی عدالت بیش از انصاف است. برای قضات و دادگاهها دشوار است که بگویند راه حلی منصفانه است همیشه سعی می کنند برای توجیه خود بگویند راه حلی قانونی است نویسندگان حقوق نیز به انصاف که می رسند سست می شوند گویی انصاف با هرج و مرج توأم است ولی این دیدگاه قابل انتقاد است زیرا اگر هدف حقوق اطاعت محض قانون باشد کار ساده ای است

اطاعت از قانون به وسیله نیروهای انتظامی و نظامی خیلی بهتر از حقوقدانان انجام می شود (کاتوزیان، مقاله سهم عدالت در تفسیر قانون، ص ۹)

۳- جان رالز فیلسوف امریکایی و نگارنده کتاب «عدالت به مثابه انصاف» که کتاب او یکی از پر خواننده ترین کتاب های قرن بیستم است و بحث ها و نقدهای زیادی نسبت به آن صورت گرفته است در کنار عدالت سر از وادی انصاف در می آورد. او در کتاب «در نظریه عدالت» در تفاوت این دو مفهوم بیان می کند: عدالت به مثابه انصاف مبین این ایده است که در یک وضعیت نخستین بر سر عدالت توافق می شود. منظور از این عنوان آن نیست که مفاهیم عدالت و انصاف یکسان هستند نسبت این دو همانند نسبت دو مفهوم شعر و استعاره در عبارت «شعر به مثابه استعاره» است. اصول عدالت حاصل یک توافق یا چانه زنی منصفانه است. (جان رالز، نظریه عدالت، ترجمه سروریان و بحرانی، ص ۴۴ و ۴۵)

۴- عدالت بر محور متن قانون استوار است ولی انصاف بر روح قانون تکیه دارد. البته در مواردی متن قانون و روح قانون یکی است یا در یک سو گام بر می دارد ولی در مواردی این دو متفاوتند. نظیر اینکه متن قانون بیماریهای خاص در زن را اسباب فسخ نکاح برای شوهر می داند (ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی) ولی روح قانون اقتضاء دارد که برخی بیماریهای خطرناک تر امروزی در زوجه نیز اسباب فسخ نکاح قرار گیرد هر چند صراحتاً از آنها نام برده نشده است.

۵- عدالت به دقت از روش ها و اسلوب های اصولی و حقوقی پیروی می کند و الگوهای استنباطی آن بر اساس یک نظام قاعده مند و منطقی است. منطقی که مبانی آن در اصول فقه و نیز مبانی کلامی و اجتهاد جستجو می شود. ولی «انصاف» بر این هدف نهایی قانون مبتنی است و اعتقاد دارد که همه ابزارها و روش های حقوقی باید در تامین انصاف باشد پس اگر ابزارهای قانونی نیز خلاف بین انصاف باشد باید طرد گردد. (صغیری، مجموعه مقالات حقوقی، ج ۱ ص ۱۷ الی ۲۰)

۶- برخی نویسندگان در تفاوت انصاف و عدل گفته اند: « ان الانصاف اعطاء النصف و العدل یكون فی ذالک و غیره تری ان السارق اذ قطع قیل : انه عدل علیه و لا یقال انه النصف » (ابی الھلال العسکری و سید نورالدین جزایری ، معجم الفروق القریہ ، نقل از کریمی نیا، مقاله جایگاه انصاف در حقوق بین الملل:سایت اینترنتی (w w w. hoghough 85 . blogfa. Com)

یعنی انصاف عبارت از « نصف » عطا کردن است و « عدل » دارای معنایی اعم است . گاهی عدالت به معنای نصف عطا کردن است و گاهی با غیر نصف عطا کردن عدالت رعایت می شود . موقعی که دست سارق قطع می شود گفته می شود که عدالت در حق او رعایت شده است ولی گفته نمی شود که مورد انصاف قرار گرفته است .

۷- ارسطو در تفاوت عدالت و انصاف بیان می کند : عدالت و انصاف نه مطلقاً عین یکدیگرند و نه نوعاً مختلف هستند گاهی امر منصفانه را می شناسیم به طوری که اصطلاح منصفانه را به اعمال غیر از اعمال عادلانه نیز اطلاق می کنیم . در واقع انصاف با وجود این که نوعی عدالت بالاتر است فی نفسه عدالت است و بالاتر بودن انصاف از عدل به سبب اختلاف در جنس نیست بلکه اختلاف در نوع است (ارسطو ، اخلاق نیکو ماخس ، ترجمه دکتر پور حسینی ، ص ۱۵۹)

انصاف و عدالت از دیدگاه قرآن کریم

الف: آیات مربوط به انصاف

با نگرشی در قرآن کریم مبنای انصاف و عدالت را در برنامه ها و احکام قرآنی به خوبی مشاهده می کنیم که به ذکر برخی از آنها می پردازیم :

۱- **برخورد منصفانه با کفار** : آیه ۸ سوره مبارکه ممتحنه بیان میکند : « لا ینھا کم اللہ عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجونھم من دیارکم ان تبرؤھم و تقسطوا الیھم ان اللہ یحبّ المقسطین » یعنی خداوند از نیکوئی کردن و انصاف ورزیدن نسبت به

کسانی که در کار دین با شما جنگ نکرده اند و از دیارتان بیرونتان نکرده اند منع نمی کند. شما باید نسبت به این مخالفان که بی آزارند با عدالت و انصاف رفتار کنید که خداوند اهل انصاف را دوست دارد. در این آیه شریفه به برخورد منصفانه با کفاری که حربی نیستند توصیه می کند (قرائتی، توحید، عدل، عدالت اجتماعی، ص ۱۸۱ و ۱۸۲)

۲- توصیه به رعایت انصاف: آیه ۹ سوره مبارکه نحل می فرماید: خداوند شما را به عدل و احسان دستور می دهد، عدالت در این آیه به انصاف و مساوات معنی شده است. امام علی (ع) در روایتی فرمودند: عدل در این آیه همان انصاف است و مراد از احسان نیکی کردن است. (عابدینی مطلق، مجموعه کبیر، ص ۸۵۲)

۳- انصاف با یهودیان و مسیحیان: خداوند در قرآن کریم بعد از ذکر یهودیان و مسیحیانی که راه خطای خود را ادامه دادند از یهودیان و مسیحیانی که اهل صلاح بودند تقدیر می کند و با رعایت انصاف حساب این اقلیت را از اکثریت جدا می کند.

خداوند بعد از ذکر دشمنی یهودیان با اسلام و عصیبت نابجای آنها به نحو منصفانه در آیه ۱۱۳ سوره آل عمران می فرماید « لیسوا سواءً من اهل الكتاب امة قائمة يتلون آيات الله اثناء الليل وهم يسجدون » یعنی آنها یکسان نیستند زیرا گروهی از اهل کتاب به حق و ایمان قیام می کنند و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را خوانده در حالی که سجده می نمایند.

همچنین در آیه ۸۳ سوره مبارکه مائده مسیحیان مومن به طور منصفانه ستایش شده اند و خداوند متعال فرموده است « و اذا سمعوا ما انزل الى الرسول تری اعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق يتولون ربنا امننا فاكتبنا مع الشاهدين » یعنی و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، چشمان آنها را می بینی که از شوق حقیقتی که دریافته اند اشک می ریزند در حالی که می گویند پروردگارا ایمان آورده ایم، پس ما را با گواهان و شاهدان حق در زمره یاران محمد بنویس. (نقل از

یزدی، نگاهی به مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت از دیدگاه اخلاق و حقوق اسلامی، ص ۱۱۴ و ۱۱۵ - ترجمه آیه از آیت الله ناصر مکارم شیرازی)

۴- **انصاف نسبت به اهل کتاب**: قرآن کریم با وجود امتیازات والای دین مبین اسلام کتابهای آسمانی قبل از خود را نادیده نمی گیرد و در آیه ۳ سوره مبارکه آل عمران می فرماید « و مصدقا لما بین یدیه » لذا کتاب های تحریف نشده تورات و انجیل را مورد قبول قرار می دهد که خود مبتنی بر انصاف است .

همچنین درباره امانت داری یهود و نصاری می گوید بعضی از آنان بقدری امین هستند که اگر مال بسیاری هم نزد آنها به عنوان امانت بسپاری خیانت نمی کنند و مال را به طور سالم به شما رد می کنند ولی بعضی از آنان به قدری پست و خائن هستند که اگر دیناری را نزد آنان بگذاری دیگر پس نمی دهند (سوره آل عمران آیه مبارکه ۵۷) این نمونه سخن حق و بیان منصفانه پیامبر درباره کسانی است که حتی دعوت او را نپذیرفته اند لذا قرآن کریم همه اهل کتاب را با یک بیان طرد نمی کند . (قرآنی، توحید، عدل، عدالت اجتماعی، ص ۱۷۸ و ۱۷۹)

۵- **عدالت میان همسران**: آیه ۳ سوره مبارکه نساء در مورد لزوم رعایت عدالت در صورتی که شوهر بخواهد زوجات متعدد اختیار کند بیان می کند « فان خفتم ان لا تعدلوا فواحدة » یعنی اگر می ترسید که نتوانید بین همسران به عدالت رفتار کنید پس به یک همسر اکتفاء کنید .

در دنیای قبل از اسلام عدالت بین زنان رعایت نمی شد در ایران ساسانی تعدد زوجات شایع بود ولی میان زنان و همچنین فرزندان آنها تبعیض قائل می شدند برخی زنان، زنان ممتاز بودند که پادشاه زن خوانده می شدند و از حقوق کامل برخوردار بودند سایر زنان به عنوان چاکر زن یا عناوین دیگر خوانده می شدند و مزایای قانونی کمتری داشتند . اسلام همه این رسوم را منسوخ کرد . (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۴۶ و ۴۴۷)

رسول اکرم (ص) در ده سال آخر عمر خود در مدینه که دوره جنگلهای اسلام بود و زنان بی سرپرست در میان مسلمین زیاد بودند زنان متعدد اختیار کرد. اکثریت زنان پیغمبر بیوه و بزرگسال بودند و غالباً از شوهران سابق خود فرزندان داشتند تنها دوشیزه ای که پیغمبر اکرم با او ازدواج کرد عایشه بود. رسول اکرم (ص) منتهای عدالت را درباره همه آنها رعایت می کرد حتی در بیماری که منجر به فوت ایشان شد که توانایی حرکت نداشت عدالت را در کمال دقت اجرا کرد. و برای رعایت این امر هر روز بسترش را از اتاقی به اتاق دیگر منتقل می کردند تا آنکه یک روز همه را جمع کرد و اجازه خواست تا در یک اتاق بماند و همه اجازه دادند در خانه عایشه بماند. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۴۹)

قرآن کریم بیم از عدم عدالت را از موجبات عدم جواز تعدد زوجات می داند و بیانگر اهمیت این امر در دیدگاه اسلام است.

ب: اصل انصاف در احادیث و روایات

انصاف با داشتن ویژگی اخلاقی و به عنوان یک فضیلت در موضوعات مختلف اجتماعی و حقوقی در احادیث و روایات نیز مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است و به عنوان امری مهم و گاه دشوار به شمار آمده که به ذکر برخی از این احادیث و روایات می پردازیم:

دشواری رعایت انصاف: ۱- امام باقر (ع) می فرماید: ثلاث من اشد ما عمل العباد: انصاف المومن من نفسه، و مواساة المرء اخاه، و ذکرالله علی کل حال، و هو ان یذکرالله عزّ و جلّ عندالمعصیة یهمّ بما فیحول ذکر الله بینة و بین تلك المعصیة، و هو قول الله عزّ و جلّ «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون»

ترجمه: سه چیز از سخت ترین کارهای بندگان است: انصاف داشتن مومن، کمک مالی انسان به برادرش و به یاد خدا بودن در همه حال و آن به این معناست که آدمی در هنگام روبرو شدن با گناه و تصمیم به انجام آن، خدا را به یاد آورد، پس یاد خدا او را از آن گناه باز دارد و این است سخن خدای عز و جل که می فرماید: «کسانی که پرهیزکاری می کنند، چون وسوسه ای از شیطان به آنها برسد خدا را یاد می کنند و (در پرتو یاد او راه حق را می بینند) بینا می گردند.» (نقل از محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص ۲۰۲ و ۲۰۳)

۲- انصاف به عنوان حقیقت ایمان: پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «ثلاثة من حقائق الايمان: الانفاق من الاقتار و انصافك الناس من نفسك، و بذل العلم للمتعلم: سه چیز از حقیقت های ایمان است، انفاق کردن در حال تنگدستی، انصاف به خرج دادن با مردم و دانش بخشی به جوینده دانش» (نقل از محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص ۲۲۴)

۳- انصاف در قضاوت: امام علی (ع) می فرماید: «ان من العدل ان تصف في الحكم و تجتنب الظلم. براستی که از دادگری و عدل انسان است که به هنگام حکم دادن با انصاف باشد و از ستمکاری دوری گزیند» (غررالحکم و دررالکلم، جلد ۱، ص ۲۲۰، نقل از شیخ الاسلامی، قضاوت و عدالت از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، ص ۲۱)

نکته قابل توجه در این حدیث این است که انصاف از مصادیق عدل به شمار آمده است، به عبارتی عدل مفهوم عامی محسوب شده است که از جمله انصاف را نیز در بر می گیرد.

۴- توصیه به انصاف: امام علی (ع) می فرماید: اعدل الناس من انصف عن قوة، عادل ترین مردم کسی است که از روی توانایی به راه انصاف رود. (همان منبع، ص ۲۰۱، نقل از شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹، ص ۴۳) همچنین در جای دیگر می فرماید: «عن شرایع الدین و حط ثغور المسلمین و احرز دینک و امانتک بانصافک من نفسک و العمل بالعدل فی

رعیتک، از راههای دین بگذر و مرزهای کشور مسلمانان را حفظ کن و دین و امانت را نگهداری نمای به اینکه درباره خودت از خودت انصاف دهی و درباره رعیت و زیردستانت به عدل و انصاف عمل کنی». (همان منبع، ص ۴۰۶، نقل از شیخ الاسلامی، قضاوت و عدالت از دیدگاه امیرالمومنین (ع)، ص ۴۵ و ۴۶)

۵- پیامبر اسلام (ص) می فرماید: شما شش صفت را برای من متعهد شوید تا بهشت را برای شما تعهد کنم: زمان تقسیم ارث به یکدیگر ظلم مکنید، با مردم به انصاف رفتار کنید، هنگام جنگ با دشمن هراسان مباشید، در غنائم جنگی خیانت مکنید و شر ظلم را از مظلوم دفع کنید. (عابدینی مطلق، مجموعه کبیر، ص ۳۸ و ۳۹)

۶- پیامبر اسلام (ص): «افضل الناس من تواضع عن رفعه و زهد عن غنیه و انصف عن قوه و حلم عن قدره»، برترین مردم کسی است که در حال بلند پایگی، تواضع کند، در حال بی نیازی، پارسایی نماید، در حال نیرومندی انصاف داشته باشد و در حال قدرت شکیبایی کند». (عابدینی مطلق، مجموعه کبیر، ص ۱۵۱)

۷- پیامبر اسلام (ص): «لا یستكمل العبد الایمان حتی یكون فیه ثلاث خصال: الانفاق من الاقتار و الانصاف من نفسه و بذل السلام. بنده بدون سه ویژگی ایمانش کامل نمی گردد: انفاق از روی تنگدستی، انصاف درباره ی خویش و سلام کردن» (عابدینی مطلق، مجموعه کبیر، ص ۲۸۴)

۸- در دعای مجیر که از ادعیه ارزشمند است در بیان صفات پروردگار متعال این فرازا دیده می شود: سبحانک یا عادل، تعالیت یا فاضل، أجرنا من النار یا مجیر - سبحانک یا وکیل، تعالیت یا عدل، أجرنا من النار یا مجیر. (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مجیر) همچنین در دعای روز دوازدهم ماه مبارک رمضان نیز آمده است: اللهم زینتی فیه بالستر و العفاف و استرنی فیه بلباس القنوع و الکفاف و احملنی فیه علی العدل و الانصاف و امنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین - خدایا در

این ماه مرا به زیور پوشش از گناه و پاکدامنی بیارای و جامه قناعت و اکتفای به مقدار حاجت را به برم کن و وادارم کن در این روز به عدالت و انصاف و ایمنیم بخش در آن از هر چه که از آن می ترسم به نگهداری خودت ای نگهدارنده ترسندگان (آیت الله مکارم شیرازی، کلیات مفاتیح نوین، ص ۸۱۴)

نقش حق و عدالت اجتماعی در فقه اسلامی

سئوالی که قابل طرح است این است که چگونه است که در اسلام این همه حقوق محترم است و حال آنکه منطق اسلام بر اساس تحقیر دنیا استوار است وقتی خود دنیا و زندگی دنیا از نظر اسلام بی ارزش است باید حقوقی هم که مربوط به این زندگی است و نیز مفاهیم عدالت و انصاف فاقد ارزش و احترام باشد.

ابتدا باید توجه داشت که مفهوم بی ارزش بودن دنیا چیست. همه چیز با ارزش است و هر چیزی برای خودش مرتبه ای دارد اما اگر یک چیز را از نظر رابطه اش با موضوع دیگر بسنجیم در اینجا ممکن است چیزی نسبت به آن بی ارزش باشد این غلط است که بگوئیم دین گفته است دنیا آنقدر بی ارزش است که یک خیانت و ظلم هم نباید برایش مرتکب شد. تفسیر صحیح آن این است که دین آن قدر به اصول و به حقوق و به عدالت اهمیت می دهد که می گوید به خاطر اینها باید از دنیا گذشت. دین با این منطق عالی خود ارزش دنیا را از آنچه هست و همه می فهمند کاهش نداده است بلکه ارزش معنویت و تقوا و حقوق اجتماعی را که کمتر مردم به آن پی می برند معرفی کرده است و بالا برده است. بنابراین بی ارزشی دنیا بی ارزشی مقایسه ای است. (استاد مطهری، بیست گفتار، ص ۶۷ الی ۷۰)

پیامبران الهی برای طهارت روح و اجرای عدالت مبعوث شده اند، اگر حقوق مردم محفوظ و جامعه مبتنی بر انصاف و عدالت باشد، تبعیض و محرومیت نباشد، عقاید

و اخلاق مردم طهارت بیشتری می یابد. فقدان عدالت اجتماعی در اعمال و اخلاق و افکار مردم تاثیر دارد.

اگر مقررات و حقوق اجتماعی موزون و متعادل نباشد اثر عدم تعادل اجتماعی فقط در طبقه عامه مردم نیست که محرومیت دارند بلکه طبقه خاص و ممتاز که مواهب بیشتری به خود اختصاص داده اند هم زیان می بینند. طبقه عام در رنج می افتند و طبقه خاص ناشکر و کم استقامت و پرخرج می گردند. حضرت علی (ع) درباره طبقه خاص و ممتاز در فرمان خود به مالک اشتر می نویسد: «و لیس احد من الرعیة اثقل علی الوالی موونه فی الرخاء و اقل معونه له فی البلاء واکره للانصاف و أسأل بالاحاف و أقل شکر عند الاعطاء و أبطا عذرا عند المنع و أضعف صبراً عند ملمات الدهر من اهل الخاصه...» یعنی «برای والی هیچ کس پرخرج تر در هنگام سستی، کم کمک تر در هنگام سختی، متنفرتر از عدالت و انصاف، پرتوقع تر، ناسپاس تر، عذرناپذیرتر، کم طاق تر در شداید از طبقه خاص نیست...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، نقل از استاد مطهری، بیست گفتار، ص ۹۵ و ۹۶)

حضرت علی (ع) بعد از کشته شدن عثمان و هجوم مردم به خانه او برای خلافت از پذیرش خلافت امتناع می نمایند و به مطالب مهمی اشاره می کنند. از جمله می فرمایند: اگر به این دعوت پاسخ بگویم و خلافت را بپذیرم با شما آنچنان رفتار خواهم کرد که خود می دانم. تمام ثروتهایی را که در زمان عثمان از مردم به ناحق گرفته شده است مصادره خواهم کرد اگر چه با این ثروتها زن گرفته باشید و آنها را مهر زنان خود قرار داده باشید.

آنگاه حضرت علی (ع) به نکته بسیار عجیب و ظریفی اشاره می کند و می فرماید «ان فی العدل سعة» برای عدالت ظرفیت و گنجایشی است که در چیز دیگری نیست. مقصود این است که اگر ظرفی باشد که همه گروهها و افراد را در خود بگنجاند و رضایت همه را به دست آورد آن ظرف عدالت است. اگر کسی با عدالت راضی نشد

ظلم او را راضی نمی کند ، یعنی تصور نکنید که آن کسانی که در اجتماع از عدالت ناراضی می شوند ، اگر من عدالت را کنار بگذارم و به جای آن ظلم را انتخاب کنم آنها راضی خواهند شد . (مطهری ، آینده انقلاب اسلامی ایران ، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

روش حضرت علی (ع) به ما می آموزد که تغییر رژیم سیاسی و تعویض سیستمها و برداشتن افراد ناصالح بدون دست زدن بنیادهای اجتماع از نظر نظامات اقتصادی و عدالت اجتماعی ، فایده ای ندارد و عدالت حقیقی بوجود نمی آید .

تفاوت عدالت با مساوات

مطلبی که باید در اینجا به آن پردازیم این است که هر نوع تفاوت در جامعه مخالف عدالت نیست ، عدالت به مفهوم مساوات مطلق نمی باشد. معنی عدالت این نیست که همه مردم از هر نظر در یک حد و یک مرتبه و یک درجه باشند ، مقتضای عدالت این است که تفاوتهایی که خواه نا خواه در اجتماع هست تابع استعدادها و لیاقتها باشد . همانگونه که دانشجویانی که در یک امتحان شرکت می کنند به هر کدام همان نمره ای باید داده شود که استحقاق آن را دارند. بنابراین مقتضای عدالت این نیست که به همه دانشجویان نمره مساوی داده شود در غیر این صورت تبعیض و ظلم به شمار می آید . برعکس اگر به همه بدون توجه به توانمندی ها نمره مساوی داده شود ظلم است.

نتیجه اینکه مقتضای عدالت رعایت مساوات است در شرایط حقوقی مساوی ، نه در شرایط نامساوی . این است که در تعریف عدالت گفته اند « العدالة اعطاء كل ذي حق حقه » یعنی عدالت این است که حق هر ذی حق به خودش برسد. (استاد مطهری ، بیست گفتار ، ص ۷۹)

اساساً یکی از عظمت های خلقت انسان اختلاف طبیعی افراد و تفاوت آنهاست خصوصاً اینکه کسی که در یک جهت امتیاز و برتری طبیعی دارد، در جهت دیگر ،

شخص دیگری بر او تفوق و امتیاز دارد و در نتیجه همه محتاج یکدیگرند. مساوات این است که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم شود. صحنه برای نمایش افراد به طور مساوی باز باشد مثلاً در موضوع تحصیل همه بتوانند دانشگاه بروند یا درس بخوانند. در غیر این صورت تبعیض خواهد بود. تفاوت ناروا این است که شرایط عمل و امکانات برای همه افراد مساوی نباشد برای یکی امکان صعود باشد و برای دیگری نباشد. (استاد مطهری، بیست گفتار، ص ۹۷ و ۹۸)

اختلاف در خلقت انسانها

با اینکه وجود اختلاف در خلقت و استعدادها و توانمندیهای انسانی امری ضروری است و موجب می شود که هر انسانی با توانمندی و استعداد و مهارت متفاوت بخشی از نیازمندیهای جامعه را برآورده سازد و هر شخصی جلوه ای از قدرت پروردگار متعال است با این وجود سئوالی که در برخی موارد در افکار انسان پدید می آید که اینگونه تفاوتها در بشر خصوصاً در مورد اشخاصی که دارای معلولیت یا نقصانی هستند چگونه قابل توجیه است.

در این مورد سئوالی از آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب مطرح گردید که آن را به اختصار به نقل از کتاب ۸۲ پرسش ایشان بیان می نمایم.

سؤال: سیاهی و سفیدی، کوری و بینایی، زشتی و زیبایی، عاقلی و دیوانگی، خلاف عدالت وانمود می کند آیا در آخرت جبران این محرومیت خواهد شد و اگر شخص کافر بمیرد در آخرت معذب خواهد بود.

جواب: اختلاف در خلقت انسانها از حیث زیبایی و زشتی، فقر و غنا، صحت و سلامت و نظایر آن هر یک را حکمتها است که به برخی از آنها اشاره می شود اولاً اشیاء به ضدشان شناخته می شوند اگر زشتی نباشد جمال و زیبایی ظاهر نمی گردد. ثانیاً بعضی از افراد بشر صلاحشان در زشتی یا کوری یا مثلاً فقر و غیر

اینهاست. روایت شده روزی یکی از انبیاء در کنار شط آب عبور می کرد عده ای بچه را مشاهده کرد که در بین آنها بچه کوری بود و او را اذیت می کردند و گاهی او را زیر آب می نمودند آن پیغمبر متاثر شد و دعا کرد که خداوند او را بینا بفرماید پس مستجاب شد و آن بچه چشم دار شد. او سایر بچه ها را می گرفت و زیر آب می کرد و نمی گذاشت بیرون بیایند تا هلاک شوند و چند بچه را به همین صورت هلاک نمود. پس پیغمبر عرض کرد خدایا تو بهتر می دانی او را به حالت اولیه برگردان.

ثالثاً اختلاف بین بشر برای امتحان بندگان و ظهور سعادت و شقاوت است زیرا مبتلایان به صبر و تسلیم امتحان می شوند و از مقامات صابرين بهره مند می شوند و دارندگان عافیت به شکر و اداء تکالیف الهی امتحان می شوند.

اما در مورد تلافی شدن این محرومیتها باید گفت که شکی نیست که به احسن وجه تلافی خواهد شد و یکی از اسماء الهی جبار است یعنی جبران کننده و در علم کلام ثابت گردیده است که خداوند تبارک و تعالی در مقابل آلام و شدائد و محرومیتها به بنده عوض مرحمت می فرماید بقدری که بنده راضی شود البته نسبت به اموری که فقط از طرف حق تعالی باشد و اختیار انسان دخالت نداشته باشد.

صاحب کتاب کافی در باب شدۀ ابتلاء المومنین روایت کرده است که ابن ابی یغفور می گوید شکایت کردم به امام صادق علیه السلام از دردهایی که می کشیدم و او مرد پر دردی بود امام (ع) در پاسخ فرمود ای عبدالله اگر مومن می دانست در مصیبت چه اجری دارد آرزو می کرد که با قیچی قطعه قطعه شود.

و در جلد یازدهم کتاب بحار الانوار روایت شده است که جناب ابوبصیر که از چشم محروم بود بر حضرت امام باقر علیه السلام وارد شد و عرض کرد شما می توانید مرده را زنده کنید و ابرص را شفا دهید حضرت فرمود بلی باذن الله، و هدف

ابوبصیر این بود که آن حضرت چشم او را بینا گرداند. حضرت فرمود نزدیک بیا پس دست مبارک را بر چشم او کشید و بینا شد. حضرت امام باقر (ع) فرمود آیا دوست می داری که با چشم باشی و همان شدائد که در قیامت برای خلق است برای تو هم باشد یا اینکه برگردی به حالت کوری که از قبل داشتی تا بهشت بدون حساب نصیب تو گردد؟

ابوبصیر عرض کرد همان کوری را اختیار نمودم، پس او را به حالت اولیه برگردانید. از این حدیث استفاده می شود که در عوض کوری در دنیا از مشقت روز حساب در قیامت در امان خواهد بود.

اما در مورد اینکه کسانی که بنا به مصالحی به نقایص و کمبودهایی مبتلا بودند و بی ایمان هم از دنیا رفتند در آخرت چه وضعی خواهند داشت باید گفت که محرومیت از جبران الهی در سرای آخرت نسبت به این گروه در اثر سوء اختیار و کفر خود آنان است و کافر را در آخرت نصیبی نیست. (آیت الله دستغیب، ۸۲ پرسش، ص ۴۸ الی ۵۰)

بنابراین علاوه بر مباحث حقوقی مربوط به عدالت و انصاف باید توجه داشت که از نظر محرومیت هایی که برای اشخاص در زندگی اجتماعی دنیوی وجود دارد خداوند متعال در آخرت جبران این رنجها را می نماید به شرط اینکه شخص مسلمان باشد ضمن اینکه مصالحی در این امور نهفته است که ما به بسیاری از این مصلحت ها آگاه نیستیم.

نتیجه گیری

۱- بکار بردن مفاهیم انصاف و عدالت به عنوان مترادف در تالیفات فقهی و حقوقی رایج است ولی در مفهوم خاص انصاف همان عدالت نیست بلکه مکمل عدالت و به تعبیر دیگر انصاف عدالت برتر است .

۲- بسیاری از قواعد و احکام در عین اینکه عادلانه بوده منصفانه نیز می باشند ولی برخی قوانین عادلانه هستند ولی چندان منصفانه نیستند . امکان مطالبه مهریه سنگین و با رقم زیاد توسط زوجه بطور یکجا بلافاصله بعد از انعقاد نکاح عادلانه و قانونی است ولی با انصاف سازگار نیست .

۳- قرآن کریم به عدالت و انصاف تاکید زیادی دارد ، حتی نسبت به غیر مسلمانان نیز با عدالت و انصاف برخورد شده است . در احادیث و روایات نیز با محوریت اخلاق به انصاف توصیه شده است .

۴- عدالت و انصاف همان مساوات مطلق نیست . برابری مطلق بعضاً مخالف عدالت به شمار می آید . تفاوت های موجود در زندگی بشری نیز مبتنی بر حکمت های الهی است .

۵- بی عدالتی فقط به عامه مردم لطمه نمی زند بلکه خواص ثروتمند و یا دارای امتیازات ویژه نیز از بی عدالتی متضرر می شوند . عدالت و انصاف ظرفیتی دارد که چیز دیگری جایگزین آن نمی گردد .

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (ره)
- ۳- ارسطو اخلاق نیکو ماخس، ترجمه دکتر ابوالقاسم پورحسینی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، تهران
- ۴- اصغری سید محمد، عدالت به مثابه قاعده، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸، چاپ اول، تهران
- ۵- جان رالز، نظریه عدالت، ترجمه سید محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران
- ۶- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۸۲ پرسش، انتشارات کتابخانه مسجد جامع عتیق شیراز، ۱۳۶۰ قم
- ۷- شیخ الاسلامی، جعفر، قضاوت و عدالت از دیدگاه امیرالمومنین علی علیه السلام، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران
- ۸- صغیری، اسماعیل، مجموعه مقالات حقوقی، جلد اول، انتشارات فروزش، ۱۳۸۷، چاپ اول، تبریز
- ۹- عابدینی مطلق، کاظم، مجموعه کبیر (شامل متن کامل نهج الفصاحه، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و صحیفه مهدیه) انتشارات توسعه قلم، ۱۳۸۷، چاپ اول، قم
- ۱۰- قرائتی، محسن، توحید - عدل - عدالت اجتماعی، انتشارات صبا، بی تا و بی جا

- ۱۱- کاتوزیان ، ناصر ، فلسفه حقوق ، جلد دوم ، ناشر شرکت سهامی انتشار ، ۱۳۷۷ ، چاپ اول ، تهران
- ۱۲- کاتوزیان ، ناصر ، کلیات حقوق ، ناشر شرکت سهامی انتشار ، ۱۳۷۹ ، چاپ دوم ، تهران
- ۱۳- کاتوزیان ، ناصر ، سهم عدالت در تفسیر قانون ، مقاله مندرج در شماره ۱۶ و ۱۷ کانون وکلای دادگستری مرکز کرمانشاه ، انتشارات طاق بستان ، ۱۳۸۶ ، کرمانشاه
- ۱۴- کریمی نیا ، محمد مهدی ، جایگاه انصاف در حقوق تجارت بین الملل ، سایت اینترنتی
[www . hoghough 85 . blogfa . com](http://www.hoghough85.blogfa.com)
- ۱۵- محمدی ری شهری ، محمد ، کیمیای محبت ، ناشر موسسه فرهنگی دارالحدیث ، ۱۳۸۰ ، چاپ چهارم ، قم
- ۱۶- مطهری ، مرتضی ، نظام حقوق زن در اسلام ، انتشارات صدرا ، ۱۳۷۰ ، چاپ پانزدهم ، تهران
- ۱۷- مطهری ، مرتضی ، بیست گفتار ، انتشارات صدرا ، ۱۳۸۴ ، چاپ بیست و دوم ، تهران
- ۱۸- مطهری ، مرتضی ، آینده انقلاب اسلامی ایران ، انتشارات صدرا ، ۱۳۸۷ ، چاپ بیست و هشتم ، تهران
- ۱۹- مکارم شیرازی ، ناصر ، کلیات مفاتیح نوین ، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، ۱۳۸۸ ، چاپ هجدهم ، قم

۲۰- یزدی، عبدالحمید، نگاهی به مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت از دیدگاه اخلاق و حقوق اسلامی، در کتاب «حقوق بشر و مفاهیم، مساوات، انصاف و عدالت» انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران

